

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز

سال دوازدهم، شماره‌ی دوم، تابستان ۱۳۹۹، پیاپی ۴۴، صص ۲۱۴-۲۴۲

DOI: 10.22099/JBA.2019.32837.3323

سیر توجه به موضوع‌ها و مناسبت‌های شاد و غم‌انگیز، در سرودن قصاید فارسی تا آغاز قرن هفتم (بیست قصیده‌سرای شاخص)

محمد مرادی*

دانشگاه شیراز

چکیده

قصیده یکی از قالب‌های اصلی شعر فارسی است که در سده‌های چهارم تا آغاز قرن هفتم، در انعکاس مفاهیم فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی ایرانی نمودی موثر داشته است. در این مقاله با روش تحلیل محتوا، پس از مطالعه‌ی بیش از ۳۲۰۰ قصیده از بیست شاعر، اشعاری که در مناسبت‌ها یا رویدادهای شاد و غمگنانه سروده شده‌اند، استخراج و سیر توجه شاعران به این مناسبت‌ها در دوره‌های مختلف و در پیوند با دربارها تحلیل شده است. نتایج نشان می‌دهد، در شعر سده‌های چهارم و پنجم، توجه به وصف بهار، توصیف بزم‌ها و بیش از همه، اصرار بر انعکاس جشن‌های مهرگان و سده، فضایی شاد به اغلب دیوان‌ها بخشیده؛ اما در سده‌های بعد، از توجه به جشن‌های ایرانی کاسته شده و اغلب شاعران مناطق مرکزی ایران بر وصف اعیاد عربی چون: عید فطر و عید قربان، در اشعار خود اصرار ورزیده‌اند. همچنین در فاصله‌ی این چند سده، شادی ادب دربار که برآمده از توجه به فتح‌ها، تبریک مناصب و اعیاد و جشن‌ها و دیگر رویدادهای شادی‌آور مربوط به ممدوح است، جای خود را به اندوه شخصی یا اجتماعی شاعران داده که اغلب یادآور مرگ عزیزان، فقر، جنگ‌ها و اختلافات، شکایت‌ها، حبس‌ها و

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی momoradi@shrazu.ac.ir

قحطی‌های زمان آنان است. همچنین از این زاویه، شاعران متصل به دربارهای غزنویان و سلجوقیان اول، شادمان‌تر از شاعران دیگر دربارها یا شاعران مذهبی بوده‌اند. **واژه‌های کلیدی:** جشن، مناسبت‌های شاد، مناسبت‌های غم‌انگیز، موضوع قصیده.

۱. مقدمه

یکی از بسترهای انعکاس زندگی و فرهنگ جامعه، آثار مکتوب و ادبیات آن سرزمین است. در ادبیات فارسی کهن و به‌ویژه در سده‌های چهارم تا پیش از هجوم مغول، شعر به دلیل حضور در دربارها، مراکز مذهبی و عرفانی و... نقشی خاص در انعکاس فرهنگ، وضعیت زندگی و باورهای مردم ایران‌زمین داشته است.

در این دوره به دلیل مرکزیت دربارها، اغلب شاعران درجه‌اول به گونه‌ای با حکومت‌ها در پیوند بوده‌اند و همین نکته سبب شده، علاوه بر بازتاب اندیشه‌ها و وضعیت توده‌ی مردم که شاعران نیز از دل آنان برخاسته‌اند، شعر آنان بستری برای معرفی وضعیت دربارها باشد و از این منظر، شعر در جایگاه فضایی پیونددهنده میان حیات اجتماعی و درباری، موثر باشد.

یکی از عناصر معنوی حیات ایرانیان، توجه به شادی یا در مقابل آن انعکاس غم در زندگی آنان است؛ مسئله‌ای که به عوامل متعدد مذهبی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی، فردی و... مربوط است و بیش از همه، در جشن‌ها، آیین‌ها و سوگ‌ها، نمود بیرونی دارد. یکی از ادوار اصلی نمود این دسته موقعیت‌ها در شعر فارسی، دوران پیش از هجوم مغول در جایگاه دوره‌ی نخستین شعر فارسی است.

در این چند سده، قالب قصیده در جایگاه اصلی‌ترین شکل ادبی رایج، بستری مناسب برای انعکاس سیر توجه به مناسبت‌های شاد و غم‌انگیز در شعر فارسی است و تعیین مناسبت و موقعیت سرایش در این قالب، در مقایسه با دیگر قالب‌ها روشن‌تر است. در قصاید سروده‌شده، در کنار موضوع‌های عام چون: مدح، وصف و تغزل که در بسیاری از قصاید دیده می‌شود و در آن‌ها شاعران چندان زاویه‌ای با مناسبت‌ها ندارند، موضوع‌هایی

منعکس شده که بیشتر در موقعیت‌های مثبت یا منفی حیات شاعران یا مخاطبان آن‌ها سروده شده است. این قصاید، به نوعی فضایی شاد یا غم‌انگیز دارند و از بررسی آن‌ها و بسامدشان در دیوان‌ها، می‌توان به طور غیرمستقیم به وضعیت فرهنگی جامعه‌ی ادبی و میزان شادی یا غم حاکم بر فضای جامعه پی‌برد و نمود سبکی این موقعیت‌ها را در شعر فارسی تحلیل کرد. همچنین از این طریق می‌توان، به وضعیت هریک از گونه‌های ادبی مربوط یا مناسبت‌های شاد و غم‌انگیز اجتماعی، در دربارها یا جامعه‌ی زمان شاعران دست یافت.

۱.۱. پیشینه‌ی پژوهش

علاوه بر پژوهش‌های تاریخ ادبیات و برخی کتاب‌های سبک‌شناسی شعر که در بررسی ویژگی‌های شعر فارسی در ادوار مختلف، به صورت کلی به برخی مفاهیم مربوط به این پژوهش اشاره کرده‌اند، در تحقیقات انواع ادبی نیز به تحلیل گونه‌شعرهای فارسی نیز، جایگاه انواع مرتبط با مضامین شاد یا غمگنانه تحلیل شده است. از آن جمله، امامی (۱۳۶۹) به بررسی گونه‌ی مرثیه و معرفی شاعران مطرح آن در فاصله‌ی سده‌های چهارم تا نهم پرداخته؛ همچنین ظفری (۱۳۸۸) گونه‌ی حبسیه و سیر آن در ادب فارسی را معرفی کرده است.

برخی محققان نیز به صورت منفرد یا تطبیقی، به بررسی مفاهیم شادی و غم در شعر شاعران پرداخته‌اند. از جمله بهیجانی (۱۳۸۳) در تحلیلی کوتاه، غم و شادی را در مثنوی مولوی بررسی کرده و صادقی حسن‌آبادی (۱۳۸۶) همین محتوا را در تجربه‌ی دینی مولوی تحلیل کرده است. همچنین مهمان‌دوست (۱۳۸۴) با تکیه بر مضامین چون شادی و عشق در اشعار حافظ، به نقد مقاله‌ی «غم و شادی در مثنوی مولوی» پرداخته است. مشایخی (۱۳۸۸) ضمن تحلیل پیوند خرد و شادی در شاهنامه به تطبیق آن با شعر چند شاعر فارسی و عربی پرداخته و دهقانیان و میرقادری (۱۳۹۰)، پرداخت این دو مضمون را در شعر اخوان‌ثالث و ایلیا ابوماضی با هم مقایسه کرده‌اند.

در مطالعات حوزه‌ی زبان‌شناسی نیز زور ورز و همکاران (۱۳۹۲) در تحلیلی پیکره‌مدار، برخی استعاره‌های مفهومی شادی در زبان فارسی را تحلیل و معرفی کرده‌اند. همچنین باقری‌خلیلی (۱۳۸۶) به صورت موردی و با تکیه بر تعدادی از نمونه‌های اشعار و متون تاریخی، به بررسی انواع شادی در سه دسته‌ی آفاقی، انفسی و آفاقی- انفسی از پیش از اسلام تا دوران حافظ، در فرهنگ ایرانی پرداخته است.

دسته‌ای دیگر از پژوهشگران، تحقیقاتی در حوزه‌ی آیین‌ها و جشن‌های مربوط به مضامین مورد نظر انجام داده‌اند. از آن جمله، شایسته‌رخ (۱۳۹۳) برخی آیین‌های بهاره‌ی رایج در میان توده‌ی مردم ایران و جشن‌های مربوط به آن‌ها را معرفی کرده است. هنوی (۱۳۷۴) قربانی و جشن را در اشعار منوچهری بررسی کرده و درودگریان (۱۳۸۳) نوروز، مهرگان، سده، بهمن‌جنه و نمود اساطیر باستانی را در اشعار منوچهری تحلیل کرده است. همچنین امانی‌چاکلی (۱۳۸۶) به معرفی بازتاب جشن سده در شعر عربی دوران عباسی پرداخته، آقاحسینی و صالحی‌ساداتی (۱۳۸۶) نمود جشن‌ها و اعیاد را در اشعار تعدادی از شاعران سده‌های نخستین تحلیل کرده‌اند؛ هرچند تنها تعدادی از دیوان‌ها و مناسبت‌های شاد را بررسی کرده‌اند و در استخراج نمونه‌ها خطاهایی دیده می‌شود. همچنین محمدآبادی و عباسی (۱۳۸۷) فرایند برگزاری جشن مهرگان در قرون نخستین اسلامی را معرفی کرده‌اند. راثی (۱۳۸۸) تاثیر نوروز را بر تاریخ ادبیات و زبان عربی بررسی کرده است. شریف‌پور و همکاران (۱۳۸۹) نمود اعیاد ایرانی و اسلامی را در شعر شهریار مطالعه کرده‌اند. خاکنند و زردشت (۱۳۹۰) به بررسی جشن‌های ایرانی در دوران اول عباسی پرداخته‌اند و همچنین شعبانی و انصاری (۱۳۹۱) در خلال بررسی باستان‌گرایی در اندیشه و شعر امیر معزی، نمود برخی آیین‌ها و جشن‌های ایرانی را در اشعار او بررسی کرده‌اند. آنچه از مجموع پژوهش‌های پیشین می‌توان دریافت، نخست این است که در هیچ‌یک از این آثار، به بررسی نمود مناسبت‌های شاد و غمگین در سنت قصیده‌سرایی سده‌های نخستین پرداخته نشده و در پژوهش‌های پراکنده‌ی موجود نیز تنها به صورت موردی برخی اشعار شاعران از این منظر بررسی شده است. دوم این‌که مطالعات انجام‌شده جنبه‌ی

تطبیقی نداشته، تفاوت‌ها و شباهت‌های شاعران در سده‌ها، حکومت‌ها و موضوع‌های مختلف با یکدیگر مقایسه نشده است؛ همچنین پژوهش‌های پیشین به بسامد انعکاس این مناسبت‌ها و مضامین در شعر فارسی توجه نداشته‌اند و تنها به صورت استشهادی، از برخی شاعران ابیاتی را ذکر کرده‌اند.

۱.۲. روش پژوهش

در این پژوهش که به روش تحلیل محتوا و با تکیه بر سبک‌شناسی صورت پذیرفته، ابتدا بیش از ۳۲۰۰ قصیده از بیست قصیده‌سرای شاخص فارسی پیش از هجوم مغول (با در نظر گرفتن متغیرهای زمان، مکان، دربار و نوع جهان‌بینی) بررسی شده و با کمک ابیات نخستین، ابیات شریطه، تأبید، عنوان اشعار و اجتهاد شارحان و مصححان، سروده‌هایی که در مناسبت‌های شاد یا غم‌انگیز سروده شده، استخراج شده‌اند. سپس بیش از هزار قصیده‌ی استخراج‌شده، براساس نام شاعران، دوره‌ی زندگی و حکومت مربوط به آنان تحلیل و مقایسه شده است. تعیین دقیق و همه‌جانبه‌ی شادی و غم در این تعداد قصیده ممکن نیست؛ اما در این مقاله پیش‌فرض بر این قرار گرفته که توصیف شاعر از یک مناسبت شاد و غم‌انگیز و حضور او در آن موقعیت، بی‌ارتباط با شادی و غم او دست کم در لحظه‌ی سرودن آن شعر نیست.

۲. بررسی سیر سرودن در موقعیت‌های شاد و غم‌انگیز و گونه‌های ادبی مربوط به

آن‌ها در قصاید فارسی

در نگاهی کلی، اغراض اصلی قصیده را می‌توان در مضامینی چون: مدح، تغزل و وصف طبقه‌بندی کرد. از این زاویه، اغلب اشعاری که با نگاهی کلی به این مضامین نگریسته‌اند، نه صرفاً شادی‌آور و نه اندوهگنانه‌اند؛ باین‌حال می‌توان گفت که در این مضامین نیز می‌توان تفکیکی بین شاعران در پرداخت اغراض قصیده قایل شد؛ چنان‌که بهار در اغلب

اشعار شادی آور است؛ اما خزان همیشه غم‌انگیز نیست؛ چون با جشن مهرگان همراه است و در ادبیات درباری عمدتاً با شراب‌نوشی و عیش همراه بوده است. رفتار شاعران از جنبه‌ی شادی‌آوری یا غمگینی در تغزل‌ها و وصف طبیعت متفاوت است. اندوه یا شادی حاکم بر تغزل‌ها بیشتر ذهنی است و چندان مناسبتی برای سرایش این‌گونه اشعار نمی‌توان یافت و فضای شادی‌آور از وصل یا شکوه‌آمیز از هجر در این دسته اشعار بیشتر زاده‌ی تخیل شاعران است. فضای اغلب اشعار مدحی شاد و البته در دوره‌ها و دربارهای مختلف متفاوت است. یکی از دلایل این‌که فضای مدح‌ها اغلب مثبت و شاد است، ابیات دعایی پایان آن‌هاست؛ همچنین پررنگی فضای مثبت مدح که بیان‌کننده‌ی صفات مثبت زندگی و رفتار ممدوح است، بر شادی‌بخشی مدح‌ها افزوده است. خلاف آن، ابیات نفرینی، اغلب غم‌آلودند و اشعاری که در وصف شراب و مجالس بزم و بنای عمارت‌ها سروده شده‌اند، شادی‌آورند. با توجه به مقدمه‌ی یادشده، در بخش اصلی این پژوهش، توجه به مناسبت‌ها و موقعیت‌های شادی‌آور یا غم‌انگیز قصاید، در دیوان قصیده‌سرایان شاخص پیش از مغول، استخراج و بررسی شده است.

۲.۱. بررسی نوع توجه به مناسبت‌های شاد و غم‌انگیز بر اساس شاعران

چنان‌که در جدول شماره‌ی ۱ دیده می‌شود، از بیش از ۳۲۰۰ قصیده‌ی بررسی‌شده از بیست شاعر شاخص این قالب، ۲۱۹۱ قصیده (بیش از ۶۸٪) در موضوع‌هایی سروده شده که در آن‌ها جهت‌گیری شاعر به سمت مضامین شاد یا غم‌انگیز چندان مشخص نیست. موضوع اصلی این قصاید، عمدتاً مدح و ستایش حاکمان و کارگزاران، وصف ساده‌ی طبیعت و اشیاء، تغزل و ابراز عشق، مضامین اندرزی، عرفانی، مذهبی و... بوده است.

از منظر توجه به مناسبت‌های شاد و غم‌انگیز، شاعران عمدتاً به مناسبت‌های شاد متمایل بوده‌اند؛ به طوری‌که بیش از ۲۴٪ قصاید به اظهار شادی و تبریک مناسبت‌های شاد اختصاص داشته و تنها ۸٪ از آن‌ها در موقعیتی (به ادعای شاعر) اندوهگنانه سروده شده؛

نکته‌ای که نشان‌دهنده‌ی اهمیت افزون مناسب‌های شاد در سنت قصیده‌سرایی، به‌ویژه در ادب درباری بوده است.

از میان شاعران، فرخی بیش از ۵۱٪ قصایدش را با تاکید بر مناسب‌های شاد سروده و از این منظر، شادمان‌ترین شاعر این پژوهش است. پس از او، بسامد شادی را به‌فراوانی در قصاید شاعرانی چون: عمق بخاری، منوچهری، قطران تبریزی، ازرقی هروی، عنصری، معزی و ابوالفرج رونی می‌توان دید که همه از شاعران دربارهایند. این شاعران بیش از ۳۰٪ قصایدشان را در موضوع‌های شادمانه سروده‌اند و محتوای جدول شماره‌ی ۱، غلبه‌ی شادی را در دیوان آنان تایید می‌کند.

در کنار شاعران یادشده، میزان نمود مناسب‌های شاد در قصاید شاعران دیگر متوسط است. از آن جمله، در دیوان مسعود سعد سلمان، عثمان مختاری، انوری ابیوردی و عبدالواسع جبلی بین ۲۰ تا ۲۶ درصد قصاید در موقعیتی شاد سروده شده و در دیوان شاعرانی چون: ادیب صابر، ظهیر فاریابی و کمال‌الدین، نمود شادی کاهش می‌یابد. توجه به شادی در اشعار جمال‌الدین اصفهانی و خاقانی چندان زیاد نیست و در کنار آنان، شاعرانی چون: سنایی غزنوی، قوامی رازی و ناصر خسرو (که جهان‌بینی متمایز دارند)، کمترین تمایل را به انعکاس مضامین و مناسب‌های شاد در قصایدشان نشان داده‌اند.

اگر از زاویه‌ی مناسب‌های غم‌انگیز بنگریم، می‌توان برآیندی از تناسب این دو دسته در جهان شاعران ارائه کرد. در اشعار عنصری و ابوالفرج رونی هیچ قصیده‌ای درج نشده که موضوع اصلی آن، توصیف مناسب‌های غم‌انگیز باشد و این نکته، موید توجه ویژه‌ی آن‌ها به انعکاس شادمانی و فضای عمدتاً بزمی موجود در دربار ممدوحان آنان است. ادیب صابر و فرخی نیز در کمتر از ۱٪ قصاید، به وصف یا شرح وقایع اندوه‌بار توجه کرده‌اند و همین نکته، اصرار بر اظهار شادخواری را در زندگی آنان نشان می‌دهد.

در قصاید معزی، ظهیر فاریابی، عثمان مختاری، قطران تبریزی، انوری و ازرقی هروی اظهار وضعیت اندوه چندان بارز نیست. منوچهری هرچند در بستری شادمانه شعر می‌سراید، خلاف نظر برخی پژوهندگان که معتقدند «در تمام دیوانش... یک لفظ

اندوهگین یا یک عبارت غمناک نیست» (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۱۳۴)، گاه به موضوع‌های اندوهناک تمایل نشان داده است.

در اشعار سنایی، عمق بخاری و عبدالواسع جبلی، بسامد قصاید اندوهناک بیش از ۵٪ است؛ با این تفاوت که غلبه‌ی وضعیت‌های شاد، در اشعار عمق برجسته، در قصاید عبدالواسع متوسط و در شعر سنایی اندک است و در کل، میزان تمایل به اندوه در شعر حکیم غزنه کمی بیش از موضوع‌های شاد است؛ هرچند در قصاید او موقعیت‌های عام و خنثی بیش از مثبت و منفی نمود داشته است.

در قصاید جمال‌الدین عبدالرزاق، فرزندش کمال‌الدین و قوامی رازی نیز، بین ۱۱ تا ۱۳ درصد نمود غم را در توجه به مناسبت‌ها می‌توان دید؛ با این تفاوت که کمال‌الدین و جمال‌الدین، بیشتر به موضوع‌های شاد توجه داشته‌اند؛ اما در دیوان قوامی، موضوع‌های مربوط به اندوه نمودی بسیار موثرتر دارد. در کنار شاعران یادشده، سه شاعر شاخص در موضوع‌های اندوهناک می‌توان نام برد که در بین آن‌ها مسعود سعد با وجود آن‌که بیش از ۲۳٪ قصایدش را در وصف وضعیتی غمگنانه سروده، با توجه به بیشتربودن سهم قصاید مربوط به مناسبت شاد، در این دو محور، تعادل ایجاد کرده است.

خاقانی شروانی که بیشترین انعکاس موضوع‌های غم‌انگیز (حدود ۲۶٪) را در دیوان او می‌توان دید، از غمگین‌ترین شاعران این پژوهش محسوب می‌شود؛ البته می‌توان ادعا کرد که در مجموع این شاعران، ناصر خسرو به دلیل بسامد اندک شادی در اشعارش و اصرار بر شکوه و ابراز اندوه، اندوهگین‌ترین شاعر این مجموعه محسوب می‌شود.

جدول ۱. میزان نمود موضوعها و مناسبت‌های شاد و غمگین در قصاید

ردیف	نام شاعر	تعداد قصاید	قصاید عام	درصد	شادیانه‌ها	درصد	اندوهگنانه‌ها	درصد
۱	فرخی سیستانی (ف. ۴۲۹)	۲۱۴	۱۰۱	۴۷/۱۹	۱۱۱	۵۱/۸۶	۲	۰/۹۳
۲	عنصری بلخی (ف. ۴۳۱)	۶۴	۴۲	۶۵/۶۲	۲۲	۳۴/۳۷	-----	۰

۲۲۲ _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۲، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۹۹ (پیاپی ۴۴)

۵/۲	۳	۳۸/۵۹	۲۲	۵۶/۱۴	۳۲	۵۷	منوچهری دامغانی (ف.۴۳۲)	۳
۲/۸۳	۶	۳۸/۶۷	۸۲	۵۸/۴۹	۱۲۴	۲۱۲	قطران تبریزی (ف.پس از ۴۶۵)	۴
۳/۴۴	۲	۳۴/۶۱	۱۸	۶۱/۵۳	۳۲	۵۲	ازرقی هروی (ف.مشکوک)	۵
۲۲/۵۴	۵۵	۴/۹۱	۱۲	۷۲/۵۴	۱۷۷	۲۴۴	ناصرخسرو (ف.۴۸۱)	۶
۰	-----	۳۱/۹۴	۲۳	۶۸/۰۴	۴۹	۷۲	ابوالفرج رونی (ف. اواخر سده‌ی ۵)	۷
۲۳/۴۲	۶۳	۲۶/۷۶	۷۲	۴۹/۸۱	۱۳۴	۲۶۹	مسعود سعد (ف.۵۱۵)	۸
۱/۷۴	۸	۳۲/۸۲	۱۵۱	۶۵/۴۳	۳۰۱	۴۶۰	معزی (ف.۵۲۱ تا ۵۱۸)	۹
۵/۷۶	۱۸	۵/۱۲	۱۶	۸۹/۱	۲۷۸	۳۱۲	سنایی غزنوی (ف.۵۳۵)	۱۰
۵/۸۸	۱	۳۸/۸۸	۷	۵۵/۵۵	۱۰	۱۸	عمیق بخاری (ف.۵۴۳/۵۴۲)	۱۱
۲/۳۴	۳	۲۵	۳۲	۵۸/۸۶	۹۳	۱۲۸	عثمان مختاری (ف.۵۴۹/۵۴۴)	۱۲
۰/۸۴	۱	۱۹/۳۲	۲۳	۷۹/۸۳	۹۵	۱۱۹	ادیب صابر (ف.۵۴۶)	۱۳
۵/۱۶	۸	۲۰	۳۱	۷۴/۸۳	۱۱۶	۱۵۵	عبدالواسع جبلی (ف.۵۵۵)	۱۴
۱۲/۵	۵	۵	۲	۸۲/۵	۳۳	۴۰	قوامی رازی (ف.۵۶۰)	۱۵
۳/۳۸	۷	۲۱/۷۳	۴۵	۷۴/۸۷	۱۵۵	۲۰۷	انوری (ف.۵۸۳)	۱۶
۱۱/۱۹	۱۵	۱۲/۶۸	۱۷	۷۶/۱۱	۱۰۲	۱۳۴	جمال‌الدین اصفهانی (ف.۵۸۸)	۱۷
۲۵/۹۰	۵۰	۱۱/۳۹	۲۲	۶۲/۶۹	۱۲۱	۱۹۳	خاقانی شروانی (ف.۵۹۵)	۱۸

۱/۹	۲	۱۸/۰۹	۱۹	۸۰	۸۴	۱۰۵	ظهیر فاریابی (ف. ۵۹۸)	۱۹
۱۱/۶۸	۱۸	۱۵/۵۸	۲۴	۷۲/۷۲	۱۱۲	۱۵۴	کمال‌الدین اسماعیل (مق. ۶۳۵)	۲۰
۸/۳۲	۲۶۷	۲۳/۴۰	۷۵۱	۶۸/۲۷	۲۱۹۱	۳۲۰۹	جمع	

۲.۲. سیر توجه به مناسبت‌های شاد و غم‌انگیز بر اساس قلمرو حکومت‌ها یا جغرافیای

شاعران

زاویه‌ای دیگر برای بررسی موضوع‌های شادیانه و غمگنانه در قصاید فارسی، توجه به موقعیت زمانی، مکانی و بسترهای تاریخی سرایش این اشعار است. نوع عاطفه‌ی موثر در قصاید شاعران بررسی شده را می‌توان در سه بخش، درباری، فردی و اجتماعی طبقه‌بندی کرد. از آن میان، هرچه در قصاید شاعران، عاطفه‌ی متمایل به دربار برجسته‌تر باشد، شعر آنان شادیانه‌تر و باتوجه به فضای مرفه دربارها و فراوانی مجالس بزم و شادی، تابع آن است. اوج این عاطفه را در شعر عنصری می‌توان جست که در آن تنها مضامین مرتبط با دربار نمود دارد و چندان توجهی به عواطف فردی و اجتماعی، در اشعار او نمی‌توان دید؛ گویی او از تمام عواطف خود در خدمت ممدوح غزنوی بهره برده است. در قصاید شاعران برجسته‌ی درباری چون، فرخی و تاحدودی معزی، غلبه‌ی عاطفه‌ی متکی بر دربار را می‌توان دید. در شعر درباری هرچه از دوران غزنوی به دوره‌های سلجوقی و پس از آن نزدیک می‌شویم، از غلبه‌ی عاطفه‌ی درباری کاسته شده و در کنار آن، شاعران از دربارها متوجه جامعه یا رویدادهای شخصی و خانوادگی زندگی خود شده‌اند.

تمایل به عاطفه‌ی اجتماعی یا فردی، سبب شده، اندوه منعکس در آن دو فضا، به اشعار راه یابد و به‌همین دلیل، هرچه از سده‌های چهارم و پنجم به قرن‌های بعد نزدیک می‌شویم، از نمود جشن در قصاید کاسته شده و دشواری‌ها و مشکل‌های حیات فردی و اجتماعی شاعر و مردمان روزگار او به اشعار راه یافته است (رک. آقاحسینی و صالحی - ساداتی، ۱۳۸۶: ۱۶). به‌همین دلیل است که در اشعار شاعران درباری چون: مسعود سعد،

انوری، خاقانی، جمال‌الدین، کمال‌الدین و... نمود اندوه فردی و علل آن، با وجود پیوستگی آنان به دربارها، بروزی مشخص دارد. در قصاید شاعران اواخر سده‌ی ششم و اوایل سده‌ی هفتم، به دلیل پیوند بیشتر شاعران با مردم و افول کانون ادبی دربارها، اندوه‌های برآمده از موقعیت‌های مردمی-اجتماعی، در اشعار شاعران درباری بیشتر شده است.

یکی از بسترهای انعکاس اندوه فردی و اجتماعی شاعران، اشعار مذهبی و عرفانی است که از نیمه‌ی سده‌ی پنجم در قصاید فارسی ظهوری موثر یافته است. از میان شاعران بررسی‌شده، ناصر خسرو، سنایی و قوامی رازی را می‌توان در این دسته قرار داد. چنان‌که در جدول پیشین و همچنین در جدول شماره‌ی ۲ دیده می‌شود، این شاعران خلاف شاعران متوجه دربارها، بیشتر از موضوع‌های اندوهگنانه در اشعارشان استفاده کرده‌اند. اگر شعر درباری را در این محدوده بتوان نماینده‌ی ادب شاد و بزمی دانست، شعرهای عرفانی و بیش از آن شعر مذهبی، نماینده‌ی ادبی متمایل به غم، شکایت و ترک دنیا است. علاوه بر موارد یادشده، باید گفت که نوع حکومت‌های وقت و قدرت ممدوحان نیز در شادی شاعران درباری بسیار موثر بوده است. از این زاویه، شادمانه‌ترین قصاید در زمان غزنویان اول، به‌ویژه در دوران محمود غزنوی سروده شده است؛ تاآنجا که بیش از ۴۶٪ قصاید شاعران این دوره، در موضوع‌های شادی‌آور و در تبریک جشن‌ها و مناسبت‌های مثبت سروده شده؛ حال آن‌که توجه به موقعیت‌های اندوه‌بار در شعر این دوره کمی بیش از ۱٪ بوده است. این تمایز، احتمالاً بیش از همه، به دلیل قدرت حکومت محمود، فتح‌های درازدامنه، وضعیت اقتصادی مناسب شاعران و رونق ادب درباری و به موازات آن تعدد بزم‌ها، جشن‌ها و آیین‌های شادمانی بازمانده از دوران سامانی بوده است (رک. باقری خلیلی، ۱۳۸۶: ۶۳-۶۷).

هرچند، به دلیل افول قدرت غزنویان دوم، پس از شکست از سلجوقیان به سال ۴۳۱ه، وضع ادب درباری و به موازات آن رفاه شاعران افول کرده، شاعران این دوره همچنان به مناسبت‌های شاد (۲۷٪) توجهی ویژه دارند. شاعران شاخص این قلمرو چون: مسعود سعد، عثمان مختاری و ابوالفرج رونی، اشعار متعددی در تبریک جشن‌ها و موضوع‌های

شادی آور سروده‌اند؛ اما تغییرهای ناگهانی در حکومت‌ها به دلیل نبود سلاطین قدرتمند، سبب شده، زندگی مرفه شاعران از آسیب بی‌نصیب نباشد؛ چنان‌که مسعود سعد سلمان، شاعر درجه‌اول این دوره، در عمر خود بارها دچار نگرانی‌ها و مشکلات شده و همین نکته سبب شده، گونه‌هایی چون: شکواییه و حبسیه در قصاید شاعران درباری این دوره نمودی مشخص بیابد. این تغییر، علاوه بر شاعران مشخص درباری، بر حیات دیگر شاعران این دوره نیز موثر بوده؛ چنان‌که شاعرانی چون: ناصر خسرو و سنایی را که در بخشی از زندگی خود به غزنویان دوم تمایل داشته‌اند، از ادب درباری به ادبیات مکتبی و عرفانی سوق داده و شاید اندوه جاری در شعر آنان نیز تاحدودی ادامه‌ی فضای ادبی دربارها در زمان آنان باشد. جدال‌های مذهبی فراوان حاکم بر فضای این دوره نیز، می‌تواند عاملی تعیین‌کننده در رشد فضای اندوه در دیوان‌ها بوده باشد.

به موازات غزنویان دوم، در ایران مرکزی، حکومت سلجوقیان نخستین با پادشاهانی قدرتمند چون: طغرل، البارسلان، ملک‌شاه و سنجر، علاوه بر تقویت نسبی ادب درباری، توانسته برخی امکانات موثر برای ورود مضامین شاد به اشعار را فراهم نماید. هرچند به دلیل گرایش سلجوقیان (به‌ویژه پس از خواجه نظام‌الملک) به سیاست‌های مذهبی، جشن‌های ایرانی چون: مهرگان، سده، نوروز و... در ادب درباری، اهمیت پیشین خود را تاحدودی از دست داده و در قصاید نیز کمتر منعکس شده است (همان: ۷۱-۷۳). شاعر شاخص این دوره معزی است و در کنار او کسانی چون: ازرقی هروی، عبدالواسع، ادیب صابر و انوری نیز بخشی از قصاید خود را در پیوند با پادشاهان سلجوقی سروده‌اند. قصاید این دوره از منظر میزان شادی به اندازه‌ی دوران غزنویان اول نیست؛ اما حدود ۲۷٪ از شعر شاعران یادشده، در مناسبت‌های شاد سروده شده است. نکته‌ی تامل‌برانگیز این است که موضوع‌های اندوهگنانه در قصاید این شاعران، چندان فراگیر نیست و به‌همین دلیل، می‌توان گفت که شاعران متصل به سلجوقیان اول، در مقایسه با معاصرانشان در دربار غزنویان دوم، وضعیتی مناسب‌تر داشته‌اند.

فضای نسبتاً شاد قصاید شاعران سلجوقی اول، در دوران خوارزمشاهیان و زمان خرده‌حاکمان سلجوقی، به غم‌گرایش یافته است. بروز جنگ‌ها و اختلافات حاکمان محلی متعدد، جدال‌ها و اختلافات مذهبی، رواج عرفان زهدی، بروز قحطی‌ها، نبود قدرت یکپارچه و افول قدرت دربارهای شاعران و در پایان این دوران، هجوم خانمان‌سوز مغولان و در کنار همه‌ی توجه شاعران به اندوه فردی و مشکلات خانوادگی‌شان به دلیل گسست از دربارها، می‌تواند از علل اصلی کاهش موضوع‌های شاد قصاید و فراوان‌شدن قصاید اندوهگنانه باشد. در شعر شاعران این دوره، نشانه‌هایی متعدد از انواع اشعار غمگنانه را می‌توان دید، تا آنجا که در میانگین قصاید شاعران این عصر چون: جمال‌الدین، کمال‌الدین، خاقانی و ظهیر، متوسط نمود غم بیش از متوسط تجلی شادی است.

در کنار شاعران دربارها، چند شاعر را نمی‌توان در دیگر دسته‌ها قرار داد؛ قطران تبریزی و عمیق از این شاعرانند. تعداد قصاید عمیق چندان زیاد نیست؛ اما قطران اشعاری متعدد دارد که در اغلب آن‌ها غلبه‌ی شادی را می‌توان دید. شاید مهمترین علت نمود شادی در اشعار او، در کنار علل درباری و فردی، تمایلش به تقلید از سبک شاعران خراسان باشد؛ نکته‌ای که ناصر خسرو نیز در سفرنامه به آن تصریح کرده است. «و در تبریز قطران‌نام شاعری را دیدم، شعری نیک می‌گفت... پیش من آمد دیوان منجیک و دقیقی بیاورد و پیش من بخواند» (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۷-۸).

جدول ۲. انعکاس شادی و غم مربوط به مناسبت‌ها، در اشعار بر اساس پیوند

شاعران با دربارها و ممدوحان

ردیف	دوره یا دسته	شاعران	جمع قصاید	شادبانه‌ها	درصد	اندوهگنانه‌ها	درصد
۱	غزنوی اول (سلطان محمود و مسعود)	عنصری، فرخی و منوچهری	۳۳۵	۱۵۵	۴۶/۲۶	۵	۱/۴۹

۱۴/۰۷	۶۶	۲۷/۰۷	۱۲۷	۴۶۹	مسعود سعد، عثمان مختاری و ابوالفرج	غزنوی دوم (مودود)، ابراهیم، مسعود و بهرامشاه)	۲
۲/۶۱	۲۶	۲۶/۹۸	۲۶۸	۹۹۳	ازرقی، عبدالواسع، معزی، ادیب صابر و انوری	سلجوقی اول (الب ارسلان، ملکشاه و سنجر)	۳
۱۴/۵۰	۸۵	۱۳/۹۹	۸۲	۵۸۶	جمال‌الدین، کمال‌الدین، ظهیر و خاقانی	سلجوقی دوم و حاکمان محلی	۴
۳/۰۴	۷	۳۸/۶۹	۸۹	۲۳۰	قطران، عمیق	شاعران منفرد	۵
۱۳/۰۸	۷۸	۵/۰۳	۳۰	۵۹۶	ناصرخسرو، سنایی و قوامی	شاعران متمایل به مذهب و عرفان	۶
۸/۳۲	۲۶۷	۲۳/۴۰	۷۵۱	۳۲۰۹		جمع	

۳.۲. بررسی سیر گونه‌های ادبی شاد در قصاید سده‌های چهارم تا آغاز قرن هفتم

چنان‌که در جدول شماره‌ی ۳ دیده می‌شود، مهم‌ترین مناسبت ابراز شادی در دیوان شاعران این چند سده، فرارسیدن بهار و تبریک نوروز بوده است که مجموعاً ۴۱٪ از ابراز شادی‌ها متوجه آن است. اهمیت این جشن طبیعی به اندازه‌ای بوده که همه‌ی شاعران بررسی‌شده، دست کم یک‌بار به آن اشاره کرده‌اند (همچنین رک. آقاحسینی و صالحی‌ساداتی، ۱۳۸۶: ۴). در سنت قصیده‌سرایی، وصف بهار بسامدی بیش از تبریک نوروز دارد و در ۲۵٪ اشعار، نمود یافته است. توجه به این موضوع، ویژه‌ی قصاید بررسی‌شده نیست و پیش از عصر غزنویان نیز در اشعار پراکنده‌ی باقی‌مانده از شاعران عصر سامانی چون رودکی، کسایی و... نمودی مشخص داشته است (رک. رودکی، ۱۳۴۱: ۴۹۲). از شاعران بررسی‌شده، منوچهری اغلب شادایانه‌های خود را در پیوند با بهار و وصف آن سروده و از فرارسیدن آن ابراز شادمانی کرده، یا آمدن نوروز را به ممدوح تبریک گفته است (رک. منوچهری، ۱۳۵۶: ۱۶، ۱۹، ۵۹ و...؛) موضوعی که از همان ابیات آغازین دیوانش می‌توان دریافت:

نوبهار آمد و آورد گل و یاسمنا باغ همچون تبت و راغ به سان عدنا

(همان: ۱)

توجه به این مناسبت را در قصاید دیگر شاعران غزنوی اول، چون: فرخی و عنصری به فراوانی می‌توان دید؛ با این تفاوت که در اشعار این دو، به دلیل غلبه‌ی مدح بر وصف، اهمیت تبریک و شادباش نوروژ به ممدوح بیش از وصف بهار جلوه یافته است (رک. فرخی، ۱۳۷۸: ۱۴۵، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۷، ۳۲۲، ۳۲۵). گویی بهار شادمان، وسیله‌ای برای تقرب یافتن به ساحت ملوک است:

نوروز بزرگ آمد آرایش عالم میراث به نزدیک ملوک عجم از جم

(عنصری، ۱۳۴۲: ۱۸۰)

حتی ناصر خسرو که چندان توجهی به مضامین شاد ندارد، از وصف بهار در خدمت فضای مکتبی اشعارش غافل نبوده و تمام ۱۲ قصیده‌ی شادایانه‌ی دیوان او، در پیوند با این موضوع سروده شده است (رک. ناصر خسرو، ۱۳۶۸: ۱۶۱، ۳۲۵، ۳۳۵، ۳۳۹، ۳۷۰، ۴۱۶ و...). در سده‌های ششم و هفتم، به دلیل رکود بازار مدح و افول دربارهای قدرتمند و شاعر دوست، از بسامد تبریک نوروژ کاسته شده و جز در دیوان شاعران خاص دربارها چون: معزی و انوری، شاعران چندان اصراری بر تبریک نوروژ ندارند. حتی توجه به وصف بهار نیز در دیوان شاعران اواخر این دوره کم‌رنگ‌تر از گذشته است؛ نکته‌ای که علاوه بر علل اجتماعی و سیاسی، شاید با اقلیم متمایز حیات شاعران نیز مرتبط باشد. با این حال بهار سرسبز و شادی‌انگیز، یکی از موضوع‌های اصلی برای ابراز شادی در دیوان شاعران این چند سده بوده است (رک. معزی، ۱۳۱۸: ۴۰، ۶۷۴؛ انوری، ۱۳۷۶: ۱، ۹؛ سنایی، ۱۳۶۲: ۸۵؛ ازرقی، ۱۳۳۶: ۱۱؛ ادیب صابر، ۱۳۳۱: ۷۸؛ ابوالفرج رونی، ۱۳۴۷: ۳۰؛ عمیق بخاری، بی‌تا: ۱۶۹؛ عبدالواسع جبلی، ۱۳۵۶: ۲۵۸؛ ظهیر فاریابی، ۱۳۸۹: ۲۰۵؛ کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۲۳۳).

در کنار بهار و تبریک نوروژ که اصلی‌ترین مناسبت برای ابراز شادی شاعران بوده، شاعران بارها به فرارسیدن روزهای مربوط به جشن‌های ایرانی چون: مهرگان، سده،

بهمینجه و... توجه کرده و از آن برای تقویت فضای شادمان و بزمی قصاید خود بهره گرفته‌اند (رک. آقاحسینی و صالحی‌ساداتی، ۱۳۸۶: ۵-۶). کمتر از ۱۰٪ از قصاید شاد، در پیوند با جشن‌های ایرانی سروده شده و فرخی با ۲۹ قصیده، متمایزترین شاعر این دوران است:

بگشاد مهرگان در اقبال بر جهان فرخنده باد بر ملک شرق مهرگان

(فرخی، ۱۳۷۸: ۲۶۳)

تبریک سده نیز در قصاید او و دیگر شاعران غزنوی چون عنصری، نمودی مشخص دارد (همان: ۴۸، ۱۵۲، ۲۳۸، ۳۶۳، ۳۵۴؛ عنصری، ۱۳۴۲: ۱۴). این نکته با اهمیت این جشن‌ها و مناسبت‌های ایرانی در دربار غزنویان سازگاری دارد (همچنین رک. منوچهری، ۱۳۵۶: ۹۰؛ عثمان مختاری، ۱۳۴۱: ۲۲۶؛ مسعود سعد، ۱۳۶۲: ۴۶۸). کتاب‌های تاریخی چون: تاریخ بیهقی نیز اهمیت این آیین‌ها و برگزاری آن‌ها را در دوران غزنویان تایید می‌کنند (رک. بیهقی، ۱۳۸۳: ۷۲۵، ۸۸۷، ۹۲۵). چنان‌که از جدول نیز می‌توان دریافت، هرچه از دوران غزنویان اول به دوران دوم نزدیک می‌شویم، از اهمیت اعیاد ایرانی در دیوان‌ها کاسته شده و تنها قصایدی اندک در برخی دیوان‌ها با این موضوع‌ها سروده شده است.

این کاهش اهمیت، در دیوان شاعران سلجوقی (به‌استثنای معزی) و همچنین شاعران اقلیم‌های مرکزی ایران، به دلایل متعدد، از جمله گرایش‌های اسلامی و افول آیین‌های مذهبی ایرانی آشکارتر است؛ به‌طوری‌که در دیوان شاعران عراق عجم و آذربایجان این دوره چون: قوامی رازی، جمال‌الدین، کمال‌الدین و در کنار آنان خاقانی و ظهیر، توجهی به سده و مهرگان در جایگاه موضوع اصلی قصیده دیده نمی‌شود. علاوه بر سده و مهرگان، در دیوان عثمان مختاری، یک قصیده نیز در تبریک جشن گل‌افشان (رک. شایسته‌رخ، ۱۳۹۳: ۱۲۳) سروده شده که با برخی آیین‌ها و جشن‌های ایرانی پیوند دارد (رک. عثمان مختاری، ۱۳۴۱: ۳۰۰).

اعیاد عربی و در صدر آن‌ها، عیدهای اضحی (قربان / گوسپندکشان) و فطر، از دیگر مناسبت‌های مهم در تبریک‌های درباری است که در ۱۸٪ قصاید با موضوع شادایانه

انعکاس داشته‌اند. فرخی از شاعرانی است که قصایدی متعدد در تبریک اعیاد اسلامی، به‌ویژه عید فطر سروده (رک. فرخی، ۱۳۷۸: ۳۶، ۱۰۴)؛ اما اهمیت روزهای شاد ایرانی در دیوان او بیش از اعیاد اسلامی است. چنان‌که در جدول دیده می‌شود، خلاف دوران غزنویان نخست، در دیوان شاعران دربار غزنویان دوم و بیش از آنان شاعران سلجوقی، از اهمیت اعیاد ایرانی کاسته شده و بیشترین توجه و تبریک مربوط به عیدهای اسلامی است؛ نکته‌ای که با سیاست مذهبی امیران سلجوقی و دیگر حاکمان محلی ایران سازگاری دارد؛ به‌همین دلیل در قصاید شاعرانی چون: معزی، مسعود سعد، عبدالواسع جبلی، انوری، خاقانی، ظهیر و دیگران، بارها فرارسیدن اعیاد فطر و قربان یا در مواردی اندک آغاز سال قمری، تبریک گفته شده است (رک. معزی، ۱۳۱۸: ۲۸۳، ۵۳۸؛ سنایی، ۱۳۶۲: ۵۹۴؛ جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۷۹: ۳۴۷ و...).

جشن اسلام و عید قربان است شاد ازو جان هر مسلمان است

(مسعود سعد، ۱۳۶۲: ۵۳)

در کنار اعیاد یادشده، به‌ندرت، اشعاری دیده می‌شود که در تبریک و ابراز شادمانی از ولادت فرزند ممدوح سروده شده؛ چنان‌که معزی در تهنیت تولد پسر سنجر گفته است:

گشت تابنده ز گردون معالی قمری گشت تابنده ز دریای معانی گهری

(معزی، ۱۳۱۸: ۷۱۶)

این موضوع را در دیوان دیگر شاعران این دوره چون: فرخی، جمال‌الدین، عثمان مختاری و خاقانی نیز می‌توان دید (رک. جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۷۹: ۵۵؛ عثمان مختاری، ۱۳۴۱: ۵۸؛ خاقانی، ۱۳۷۵: ۱۳۰ و...). از این دست است، قصیده‌ای که ادیب صابر در جشن تطهیر شمس‌الدین بن علی قدامه موسوی، فرزند ممدوح سروده است (رک. ادیب صابر، ۱۳۳۱: ۱۸۵). علاوه بر مناسبت‌ها، شاعرانی نیز اشعاری پراکنده در تهنیت ازدواج ممدوح و جشن آن سروده‌اند که از آن جمله می‌توان به قطران، عبدالواسع و کمال‌الدین اشاره کرد (رک. کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۱۹۱؛ قطران، ۱۳۳۳: ۱۴۱؛ عبدالواسع جبلی، ۱۳۵۶: ۴۲۰).

حدود ۳۰٪ از قصاید شادیانه نیز در دیگر موضوعها و مناسبت‌ها سروده شده؛ هرچند اغلب این اشعار مربوط به شادی‌های درباری است، این‌که درون شاعران تا چه میزان از قرارگرفتن در موقعیت جشن‌ها و مناسبت‌های یادشده، شادمان بوده، چندان پاسخ دقیقی ندارد. با این حال می‌توان محتمل دانست که با توجه به درهم‌تنیدگی حیات شاعران و ممدوحان آنان و همچنین پیوند وقایع و شادمانی‌های دربار با قدرت حکومت مرکزی و رفاه اجتماعی، شادی‌های منعکس در اشعار چندان جدا از درون شاعران نبوده است.

از دیگر عوامل اصلی ابراز شادی شاعران، فتح و پیروزی ممدوحان بوده است. بسامد بارز این دست اشعار در شعر شاعران معاصر با محمود غزنوی، کاملاً در پیوند با قدرت حکومت او و جنگ‌های موفق است که در ایران و هندوستان رقم زده است و همین نکته، محتملاً بر افزونی موجودی خزاین و تشویق شاعران تاثیر گذاشته؛ در نتیجه بر شادمانی حیات شاعرانه‌شان افزوده است. ابراز شادی از فتح ممدوح یا بازگشت پیروزمندانه‌ی او را چه در قصاید غزنوی و چه سلجوقی به‌فراوانی می‌توان دید (رک. عنصری، ۱۳۴۲: ۱۱۳؛ فرخی، ۱۳۷۸: ۶۶، ۲۰۴؛ قطران، ۱۳۳۳: ۱۲۹؛ مسعودسعد، ۱۳۶۲: ۱۶۴، ۳۴۸، ۴۸۲؛ عثمان مختاری، ۱۳۴۱: ۵۳، ۸۵؛ معزی، ۱۳۱۸: ۹۵، عمیق بخاری، بی تا: ۱۸۸؛ ابوالفرج رونی، ۱۳۴۷: ۱، ۴۷، ۱۱۶؛ ظهیر فاریابی، ۱۳۸۹: ۱۴۷؛ خاقانی، ۱۳۷۵: ۴۸ و...):

شه مشرق ملک سنجر به دارالملک باز آمد سپاس و شکر یزدان را که شادوسر فراز آمد
(معزی، ۱۳۱۸: ۱۹۴)

اغلب تبریک‌ها، به بازگشت سلاطین اشاره کرده و به‌ندرت، قصایدی نیز در شادی از بازگشت دیگر وزیران و صاحب‌منصبان حکومت سروده شده است (رک. انوری، ۱۳۷۶: ۲۴۳). همچنین علاوه بر بازگشت از جنگ، به‌ویژه در اواخر این دوره و به دلیل کم‌شدن نمود جنگ‌های بزرگ و فاتحانه، شادباش بازگشت ممدوح از دیگر سفرها یا بازگشت از شکار نیز به یکی از علل سرایش اشعار تبدیل شده که برای نمونه باید به قصیده‌ی جمال‌الدین در تبریک بازگشت رکن‌الدین صاعد از حج اشاره کرد (رک. جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۷۹: ۶۰).

از دیگر مناسبت‌های شاد در قصاید، تبریک آغاز حکومت یا منصب جدیدیافتن ممدوح است. این محتوا در قصایدی از عمیق بخاری، ادیب صابر، عثمان مختاری، سنایی، انوری و... دیده می‌شود (رک. عمیق بخاری، بی تا: ۱۸۹؛ مسعود سعد، ۱۳۶۲: ۲۹۷؛ ادیب صابر، ۱۳۳۱: ۱۲۱؛ سنایی، ۱۳۶۲: ۱۷۵؛ عثمان مختاری، ۱۳۴۱: ۹۰؛ انوری، ۱۳۷۶: ۶۷؛ کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۶۴ و...). همچنین قصایدی در تهنیت آمدن لوا و عهد خلیفه (رک. ابوالفرج رونی، ۱۳۴۷: ۱۴۸) یا خلعت‌یافتن از سلطان (رک. فرخی، ۱۳۷۸: ۴۶ و انوری، ۱۳۷۶: ۳۳۰) سروده شده است؛ برگزاری جشن آمدن لوای خلیفه، چنان‌که در تاریخ بیهقی نیز دیده می‌شود (رک. بیهقی، ۱۳۸۳: ۵۰۷)، آیینی ویژه و عمدتاً همراه با جشن داشته و در شعر شاعران غزنوی، نمود چشمگیرتری داشته است:

لوا و عهد خطاب خلیفه‌ی بغداد خدای عزوجل بر ملک خجسته کناد

(مسعود سعد، ۱۳۶۲: ۱۱۳)

در دیوان شاعران، به صورت پراکنده قصایدی با ابراز شادمانی می‌توان دید که در شکر از بهبودیافتن ممدوح (رک. فرخی، ۱۳۷۸: ۳۸۹؛ عبدالواسع جبلی، ۱۳۵۶: ۳۸۷، ۴۲۳؛ معزی، ۱۳۱۸: ۱۰۹؛ انوری، ۱۳۷۶: ۴۱۹)، تهنیت صلح و آشتی ممدوحان و بزرگان (رک. سنایی، ۱۳۶۲: ۲۶۲؛ کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۲۷۴) یا ابراز شادی شاعر از حضور در مجلس یا بزم ممدوح سروده شده است (رک. انوری، ۱۳۷۶: ۲۵؛ عثمان مختاری، ۱۳۴۱: ۵۲۴).

جدول ۳. مناسبت‌ها و موضوعات شاد و انعکاس آن‌ها در دیوان‌ها

ردیف	نام شاعر	وصف بهار	تبریک نوروز	اعیاد ایرانی	اعیاد عربی	ولادت و عروسی	دیگر شادی‌ها	جمع
۱	فرخی	۱۲	۳۰	۲۹	۲۲	۳	۱۵	۱۱۱
۲	عنصری	۵	۸	۲	۳	—	۴	۲۲
۳	منوچهری	۱۸	۱	۲	۱	—	—	۲۲
۴	قطران	۴۲	۱۶	۳	۸	۲	۱۱	۸۲
۵	ازرقی	۷	۳	۲	۵	—	۱	۱۸
۶	ناصر خسرو	۱۲	—	—	—	—	—	۱۲

۷	ابوالفرج رونی	۴	۱	۱	۱	—	۱۷	۲۳
۸	مسعود سعد	۱۰	۸	۴	۱۴	۱	۳۵	۷۲
۹	معزی	۱۸	۱۹	۱۷	۳۸	۳	۵۶	۱۵۱
۱۰	سنایی غزنوی	۹	۲	۱	۱	—	۳	۱۶
۱۱	عمیق	۲	۲	—	۱	—	۲	۷
۱۲	عثمان مختاری	۷	۴	۶	۲	۱	۱۲	۳۲
۱۳	ادیب صابر	۱۴	—	—	۴	۱	۴	۲۳
۱۴	عبدالواسع جیلی	۵	۱	۱	۷	۲	۱۵	۳۱
۱۵	قوامی رازی	—	۱	—	—	۱	—	۲
۱۶	انوری	۵	۱۰	۱	۱۲	—	۱۷	۴۵
۱۷	جمال‌الدین اصفهانی	۷	—	—	۳	۱	۶	۱۷
۱۸	خاقانی شروانی	۵	۲	—	۹	۳	۳	۲۲
۱۹	ظهیر فاریابی	۸	۲	—	۵	—	۴	۱۹
۲۰	کمال‌الدین اسماعیل	۳	۵	—	۱	۲	۱۳	۲۴
	جمع	۱۹۳	۱۱۵	۶۹	۱۳۶	۲۰	۲۱۸	۷۵۱
	درصد	۲۵/۶۹	۱۵/۳۱	۹/۱۸	۱۸/۱۰	۲/۶۶	۲۹/۰۲	۱۰۰

۴.۲. بررسی سیر گونه‌های غم‌انگیز در قصاید سده‌های چهارم تا آغاز هفتم

دسته‌ای از قصاید، در مناسبت‌هایی سروده شده که منعکس‌کننده‌ی اندوه شاعر از رویدادی است که در زندگی شخصی، درباری یا اجتماعی‌اش تجربه کرده است. چنان‌که در جدول شماره‌ی ۴ مشخص است، یکی از اصلی‌ترین گونه‌های ادبی قصاید، در سوگ ممدوح، بزرگی یا یکی از خویشان و دوستان شاعر سروده شده است.

مرثیه‌سرایی در شعر فارسی، از همان دوران آغازین شعر فارسی و در اشعار شاعرانی چون رودکی و کسایی نمود داشته (رک. رودکی، ۱۳۴۱: ۴۹۶؛ کسایی، ۱۳۶۷: ۶۹-۷۹) و در دیوان‌های بررسی شده نیز حدود ۲۳٪ از غمگانه‌ها در این موقعیت سروده شده است. این‌گونه اشعار در قصاید دوران غزنوی اول چندان رواجی ندارد و تنها فرخی، قصیده‌ی

معروف خود را در سوگ محمود غزنوی سروده است (رک. فرخی، ۱۳۷۸: ۹۰) و گویا بسیاری از شاعران چندان توجهی به این گونه‌ی ادبی نشان نداده‌اند؛ چنان‌که در اشعار ازرقی، ناصر خسرو، ابوالفرج، عمیق، عثمان مختاری، ادیب صابر و ظهیر فاریابی نیز قصیده‌ای مستقل با موضوع سوگ ثبت نشده است.

از نیمه‌ی سده‌ی پنجم و بیش از آن، در سده‌های ششم و هفتم، شاید به دلیل گسست پیوند شاعران با فضای شاد دربارها و توجه بیش از پیش آنان به زندگی فردی و اجتماعی، توجه به مرثیه در شعر فارسی افزونی یافته است. قطران یکی از شاعرانی است که به سبب مواجهه با زلزله‌ی بزرگ تبریز و مشاهده‌ی ویرانی‌ها و تلفات آن، قصایدی در این موضوع سروده است (رک. قطران، ۱۳۳۳: ۲۰۸ و ۲۴۹). همچنین در شعر اغلب شاعران درباری، مرثیه‌هایی در سوگ ممدوحان و بزرگان مذهبی و عرفانی عصر چون: خواجه نظام‌الملک، ملک‌شاه، خواجه عبدالله انصاری و... ثبت شده است (همان: ۳۶۸؛ سنایی، ۱۳۶۲: ۱۰۹۵، ۱۱۰۲؛ معزی، ۱۳۱۸: ۴۰۵-۴۰۶؛ مسعود سعد، ۱۳۶۲: ۴۷۷؛ عبدالواسع جبلی، ۱۳۵۶: ۴۵۷، ۴۶۱؛ جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۷۹: ۹۷، ۱۷۲، ۲۷۰، ۳۱۱، ۳۱۴؛ خاقانی، ۱۳۷۵: ۱۳۶، ۲۲۷، ۴۰۶؛ انوری، ۱۳۷۶: ۴۶؛ کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۴۱۵، ۴۳۳ و...).

از شاعران بررسی‌شده، خاقانی تمایزی ویژه در سرایش مرثیه دارد. او بسیاری از مرثیه‌های خود را در سوگ عزیزانش از جمله عمو و همسر خود سروده (رک. خاقانی، ۱۳۷۵: ۳۳۹، ۳۶۰، ۴۶۹)؛ هرچند مرثیه‌های فرزندش رشیدالدین، متفاوت با دیگر مرثیه‌های اوست (همان: ۲۳۴، ۵۷۱):

حاصل عمر چه دارید؟ خبر بازدهید مایه‌ی جانی است از و ام نظر بازدهید

(همان: ۲۲۷)

از دیگر شاعران متمایز در مرثیه‌سرایی، کمال‌الدین اسماعیل را باید نام برد که او نیز در سوگ فرزندش قصیده‌ای غرا سروده (رک. کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۴۲۹)؛ همچنین قصیده‌ی قوامی رازی در سوگ شهیدان کربلا، پس از مرثیه‌ی عاشورایی کسایی (رک.

کسایبی، ۱۳۶۷: ۶۹)، دومین قصیده‌ی مهم در سیر این نوع سوگ در ادب فارسی است (رک. قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۱۲۵).

در کنار مرثیه که چه در گونه‌ی درباری و چه در گونه‌های اجتماعی، مذهبی و فردی آن در دیوان‌ها نمود یافته، در شعر این دوره، سه‌تن از شاعران به گونه‌ی حبسیه و وصف موقعیت زندان یا تبعید یا تنگنای خود توجه نشان داده‌اند. بیش از ۱۴٪ از غمگناهی‌های بررسی شده به این موضوع پیوند دارد و بیش از همه، مسعود سعد و در کنار او ناصر خسرو و خاقانی، اشعاری را در این گونه‌ی اندوهناک سروده‌اند.

حبسیه در شعر شاعران غزنوی اول نمودی ندارد و تنها شاعرانی که در تنگناهای مذهبی و سیاسی قرار گرفته‌اند، اندوهشان را در قالب حبسیه به نظم در آورده‌اند. از میان این سه شاعر، اشعار ناصر خسرو بیشتر رنگ شکایت از تبعید و غربت دارد؛ باین حال، گویی او خود را در حبسی تصویر کرده که نتیجه‌ی گرایش مذهبی اوست؛ مضمونی که در تعدادی از قصاید او می‌توان دید (رک. ناصر خسرو، ۱۳۶۸: ۱۱، ۱۷، ۲۰۹، ۴۳۵ و...):

پانزده سال برآمد که به یمگانم چون و از بهر چه؟ زیرا که به زندانم
(همان: ۱۹۵)

در اشعار مسعود سعد و خاقانی (رک. مسعود سعد، ۱۳۶۲: ۱، ۳۳۱؛ خاقانی، ۱۳۷۵: ۴۰، ۹۱ و ۴۷۶)، حبسیه‌ها، رنگی کاملاً درباری دارند و شکایت شاعر را از اوضاع نابسامان زندان و گرفتاری در بند ممدوح غضب کرده، یا اجازه‌نیافتن برای سفر، منعکس می‌کنند:

بی‌چاره تن من که ز غم جانش برآمد از دست بشد کارش و از پای در آمد
(مسعود سعد، ۱۳۶۲: ۱۲۳)

در کنار حبس و تبعید که نوعی شکایت از اتفاقی ناگوار در زندگی شاعران است و از فروکوفتن‌های رایج در دربارها حکایت دارد، یکی از اصلی‌ترین موضوع‌های اندوهگناهی که در قصاید این دوره فراوانی یافته و بیش از ۶۱٪ از اشعار محزون در این محتوا سروده شده، شکواییه است. جز عنصری و ابوالفرج شاعری را نمی‌توان یافت که از چیزی شکایت نکرده و غصه‌ی خود را در طول یک قصیده انعکاس نداده باشد. شکایت از جایگاه

خود و شعرش در نظر ممدوحان، شکایت از پیری و بیماری، شکایت از دوری و هجران معشوق، شکایت از فقر و نداری و وام، شکایت از قحطی، شکایت از جنگ و ناامنی، شکایت از مردم روزگار و جهل زمان و در نگاهی کلی شکایت از روزگار.

از شاعران دربارهای بزرگ چون: شاعران محمود و مسعود و سنجر که درگذریم، قصاید شاعران سرشار از شکایت است و هرچه به قرن‌های پایانی می‌رسیم، بر حجم و تنوع شکایات شاعران و اندوه آنان افزوده می‌شود و در این میان، شاعران محبوس چون: مسعود سعد و خاقانی و در کنار آنان شاعران مذهبی و عرفانی چون: ناصرخسرو و سنایی از دیگران شاکی‌ترند. در این میان شکایت هیچ‌یک از شاعران به اندازه‌ی ناصرخسرو نیست. بیشترین میزان شکایت او از روزگار و نادانان آن است (رک. ناصرخسرو، ۱۳۶۸: ۷۴، ۷۸، ۱۲۵، ۲۰۰، ۲۹۷، ۴۳۹، ۳۷۲ و...):

از دهر جفاییشه زی که نالم گویم ز که کرده است نال نالم؟

(همان: ۳۲۲)

مسعودسعد نیز در ده‌ها قصیده که در آن‌ها نامی مستقیم از حبس نیامده، اما موضوع آن حبس است، از گرفتاری‌ها و سختی‌های زندگی خود شکایت سر داده است (رک. مسعود سعد، ۱۳۶۲: ۳۲۹، ۳۳۵، ۳۵۶، ۴۸۶ و...) عمده‌ی شکایت‌های سنایی نیز از مردم روزگار و بددینی اهالی عصر است (رک. سنایی، ۱۳۶۲: ۴۸، ۹۶، ۵۷۱، ۶۷۸ و...). شکایت از جهان و روزگار در قصاید دیگر شاعران نیز نمود یافته است (رک. منوچهری، ۱۳۵۶: ۱۱۶؛ جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۷۹: ۷۹).

از دیگر علل رایج شکایت شاعران که از دیرباز در شعر فارسی سابقه داشته و در اشعار رودکی نیز دیده می‌شود (رک. رودکی، ۱۳۴۱: ۴۹۸)، شکایت از گذران عمر و غم پیری است؛ مناسبتی که در قصاید تعدادی از شاعران از جمله قوامی و کمال‌الدین جلوه‌گر شده است (رک. قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۹۵؛ کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۲۹۱). شکایت از بیماری‌ها و جراحات‌ها از دیگر اسباب ابراز غم در قصاید پیش از هجوم مغولان است. گویا فراغت از ادب درباری سبب شده، شاعران بیشتر فرصت یابند اندوه فردی خود را در

اشعار منعکس کنند؛ چنان‌که معزی از ماجرای تیر خوردنش شکوه کرده (رک. معزی، ۱۳۱۸: ۳۰۸)؛ قوامی از شکسته‌شدن پایش (رک. قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۱۷) و کمال‌الدین از درد چشم و بیماری جرب، لب به شکوه گشوده است (رک. کمال‌الدین، ۱۳۴۸: ۲۴۳ و ۴۰۲):
 کوه بلا شده است ز رنج جرب تنم بی‌چاره من که کوه به ناخن همی‌کنم
 (همان: ۴۰۵)

شاعران به‌ندرت از اندوه اجتماعی زمان خویش سخن می‌گویند و در این موارد اندک، شکواییه‌ی آنان، به سبب رنجی است که بر مردم جاری شده است. از آن جمله است، شکایت انوری از حمله‌ی غزان (رک. انوری، ۱۳۷۶: ۲۰۱)، یا ابراز ناراحتی کمال‌الدین از قحطی اصفهان (رک. کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۶۴۳) که بارها در آن شهر و دیگر نقاط ایران رخ داده و کتاب‌های تاریخی و ادبی، به آن اشاره کرده‌اند (رک. المختارات من الرسائل، ۱۳۵۵: ۱۰۰).

در میان این همه شکایت درازآهنگ و متنوع، گاه شاعری از بدهی و وام‌خواهش ابراز ناراحتی کرده (رک. عثمان مختاری، ۱۳۴۱: ۸۰) یا به سبک ادب درباری، نهایت اندوه او مسافرت ممدوح طغان‌شاه بوده (رک. ازرقی، ۱۳۳۶: ۵۸) یا از تمام‌شدن ماه رمضان شکایت کرده است (رک. انوری، ۱۳۷۶: ۱۱۹).

جدول ۴. مناسبت‌ها و موضوعات غم‌انگیز و انعکاس آن‌ها در دیوان‌ها

ردیف	نام شاعر	مرثیه	حبسیه	شکایت	دیگر اندوه‌ها	جمع
۱	فرخی	۱	—	۱	—	۲
۲	عنصری	—	—	—	—	—
۳	منوچهری	—	—	۳	—	۳
۴	قطران	۳	—	۳	—	۶
۵	ازرقی	—	—	۲	—	۲
۶	ناصرخسرو	—	۷	۴۸	—	۵۵
۷	ابوالفرج رونی	—	—	—	—	—
۸	مسعود سعد	۵	۲۶	۳۲	—	۶۳
۹	معزی	۷	—	۱	—	۸

۱۸	—	۱۴	—	۴	سنایی غزنوی	۱۰
۱	—	۱	—	—	عمیق	۱۱
۳	—	۳	—	—	عثمان مختاری	۱۲
۱	—	۱	—	—	ادیب صابر	۱۳
۸	—	۲	—	۶	عبدالواسع جبلی	۱۴
۵	—	۳	—	۲	قوامی رازی	۱۵
۷	—	۶	—	۱	انوری	۱۶
۱۵	۱	۹	—	۵	جمال‌الدین اصفهانی	۱۷
۵۰	۱	۲۲	۵	۲۲	خاقانی شروانی	۱۸
۲	—	۲	—	—	ظهير فاریابی	۱۹
۱۸	۲	۱۰	—	۶	کمال‌الدین اسماعیل	۲۰
۲۶۷	۴	۱۶۳	۳۸	۶۲	جمع	
۱۰۰	۱/۴۹	۶۱/۰۴	۱۴/۲۳	۲۳/۲۲	درصد	

۳. نتیجه‌گیری

آنچه از بررسی قصاید بیست شاعر شاخص این قالب تا آغاز سده‌ی هفتم می‌توان نتیجه گرفت، نخست این است که بسامد توجه به مناسبت‌های شاد در مقایسه با مناسبت‌های غمگین در مجموع قصاید بیشتر است. شاید علت اصلی این نکته، غلبه‌ی فضای دربار بر سنت قصیده‌سرایی باشد؛ چنان‌که در اغلب دیوان‌ها، عاطفه‌ی درباری شاعر بیش از عاطفه‌ی اجتماعی یا فردی او انعکاس یافته است. هرچه از دوران غزنویان نخستین به عصر سلجوقیان و پس از آن دوران خوارزمشاهیان و حاکمان پیش از مغول نزدیک می‌شویم، از بسامد مناسبت‌های شادی‌آور در دیوان‌ها کاسته و بر موضوع‌های غم‌انگیز افزوده شده است.

در شعر سده‌های چهارم و پنجم، توجه به وصف بهار، توصیف بزم‌ها و بیش از همه اصرار بر وصف و تبریک جشن‌های مهرگان و سده، فضایی شاد به اغلب دیوان‌ها بخشیده؛ اما در سده‌های بعد، از توجه به جشن‌های ایرانی در دیوان‌ها کاسته شده و اغلب

شاعران مناطق مرکزی ایران به انعکاس اعیاد عربی چون: عید فطر و عید قربان، در اشعار خود اصرار ورزیده‌اند. همچنین در فاصله‌ی این چند سده، شادی ادب دربار که برآمده از توجه به بهار، فتح‌ها، تبریک مناصب، تبریک اعیاد و جشن‌ها و دیگر رویدادهای شادی‌آور مربوط به ممدوح است، جای خود را به اظهار اندوه شخصی یا اجتماعی شاعران داده که اغلب به مرگ عزیزان آنان، بیماری، وام، فقر، جنگ‌ها و اختلافات، شکایت‌ها، حبس‌ها، زلزله، قحطی‌های زمان آنان پیوند دارد.

در مجموع این چند سده، اگر شاعران درباری چون: فرخی، عنصری، منوچهری و تاحدودی قطران و معزی را نمایندگان وصف موقعیت‌های شاد در قصیده بدانیم، شاعرانی چون: ناصر خسرو، مسعود سعد، خاقانی و سنایی، به دلایل تاریخی، اجتماعی و ایدئولوژیک، اغلب به موقعیت‌های غمگانه توجه نشان داده‌اند. اگر در شعر شاعران شاد، واژه‌هایی چون: خجسته، فرخنده، مبارک، مزده، تهنیت، شادباش، همایون، فرخ، فری، شکر، آفرین و افعال دعایی مثبت به‌فراوانی نمود دارد، در گروه دیگر، عبارت‌هایی چون: افسوس، درد، دریغ، آه، داغ، سوگ و افعال دعایی منفی نمود بیشتری یافته است.

منابع

آقاحسینی، حسین و صالحی‌ساداتی، زهرا. (۱۳۸۶). «تحلیلی بر بازتاب جشن‌ها و عیدها در شعر فارسی تا سده‌ی هفتم». *دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد*، شماره‌ی ۱۵۸، صص ۱-۱۸.

ابوالفرج رونی. (۱۳۴۷). *دیوان*. به تصحیح محمود مهدوی دامغانی، مشهد: کتابفروشی باستان.

ادیب صابر ترمذی. (۱۳۳۱). *دیوان*. به کوشش علی قویم، بی‌جا: کتابفروشی خاور.

ازرقی هروی. (۱۳۳۶). *دیوان*. به سعی علی عبدالرسولی، تهران: دانشگاه تهران.

امامی، نصرالله. (۱۳۶۹). *مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی*. اهواز: جهاد دانشگاهی.

۲۴۰ _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۲، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۹۹ (پیاپی ۴۴)

امانی چاکلی، بهرام. (۱۳۸۶). «بازتاب جشن سده در شعر عربی دوره‌ی عباسی». *مطالعات ادبیات تطبیقی*، شماره‌ی ۴، صص ۱۱-۲۶.

انوری‌ایبوردی، علی. (۱۳۷۶). *دیوان*. به تصحیح محمدتقی مدرس‌رضوی، تهران: علمی و فرهنگی.

باقری‌خلیلی، علی‌اکبر. (۱۳۸۶). «شادی در فرهنگ و ادب ایرانی». *مطالعات ملی*، شماره‌ی ۳۰، صص ۵۳-۸۰.

بهبهانی، مرضیه. (۱۳۸۳). «غم و شادی در مثنوی مولوی». *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، شماره‌ی ۶۹، صص ۴۶-۴۹.

بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۸۳). *تاریخ بیهقی*. به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، تهران: مهتاب.
جمال‌الدین اصفهانی، محمد. (۱۳۷۹). *دیوان*. به تصحیح حسن وحیددستگردی، تهران: نگاه.

خاقانی. (۱۳۷۵). *دیوان*. ویراسته‌ی میرجلال‌الدین کزازی، تهران: مرکز.
خاکرند، شکرالله؛ زردشت، زهرا. (۱۳۹۰). «جشن‌های ایرانی در دوره‌ی اول عباسی ۱۳۲-۲۳۱ ق». *جستارهای تاریخی*، شماره‌ی ۴، صص ۲۳-۴۲.

دروذگریان، فرهاد. (۱۳۸۳). «نوروز، مهرگان، سده، بهمن‌جنه و اساطیر باستانی در شعر منوچهری». *بیک نوروز*، شماره‌ی ۷، صص ۱۰۸-۱۱۹.

دهقانیان، جواد؛ میرقادری، سیدفضل‌الله. (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی غم و شادی در شعر اخوان‌ثالث و ایلیا ابوماضی». *ادبیات تطبیقی*، شماره‌ی ۵، صص ۱۴۱-۱۷۲.

رائی، محسن. (۱۳۸۸). «تاثیر نوروز در تاریخ ادبیات و زبان عربی». *تاریخ ادبیات*، شماره‌ی ۶۱، صص ۱۰۳-۱۱۸.

رودکی. (۱۳۴۱). *محیط زندگی و احوال و اشعار*. به کوشش سعید نفیسی، تهران: ابن سینا.

زورو و رز، مهدیس و همکاران. (۱۳۹۲). «استعاره‌های مفهومی شادی در زبان فارسی». *مجله‌ی زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، شماره‌ی ۹، صص ۴۹-۷۲.

سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود. (۱۳۶۲). *دیوان*. به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: ابن سینا.

شایسته‌رخ، الهه. (۱۳۹۳). «آیین‌های شادی‌بخش در فرهنگ مردم». *فرهنگ مردم ایران*، شماره‌ی ۳۶، صص ۱۰۵-۱۲۸.

شریف‌پور، عنایت‌الله و همکاران. (۱۳۸۹). «بازتاب جشن‌های ایرانی و اعیاد اسلامی در شعر شهریار». *مطالعات ایرانی*، شماره‌ی ۱۸، صص ۱۵۹-۱۷۸.

شعبانی، امامعلی؛ انصاری، آتنا. (۱۳۹۱). «باستان‌گرایی در اندیشه و شعر امیر معزی». *مطالعات تاریخ ایران اسلامی*، شماره‌ی ۲، صص ۵۷-۷۷.

صادقی حسن‌آبادی، مجید. (۱۳۸۶). «غم و شادی در تجربه‌ی دینی مولوی». *دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، شماره‌ی ۴۹، صص ۷۵-۹۰.

ظفری، ولی‌الله. (۱۳۸۸). *حبسیه در ادب فارسی*. تهران: امیرکبیر.

ظهیر فاریابی، طاهر. (۱۳۸۹). *دیوان*. به تصحیح اکبر بهداروند، تهران: نگاه.

عبدالواسع جبلی. (۱۳۵۶). *دیوان*. به تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: امیرکبیر.

عثمان مختاری. (۱۳۴۱). *دیوان*. به تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

عمیق بخاری. (بی‌تا). *دیوان*. به تصحیح سعید نفیسی، تهران: فروغی.

عنصری بلخی. (۱۳۴۲). *دیوان*. به تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: سنایی.

فرخی سیستانی. (۱۳۷۸). *دیوان*. به تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: زوار.

فروزانفر. (۱۳۸۰). *سخن و سخنوران*. تهران: خوارزمی.

قطران تبریزی. (۱۳۳۳). *دیوان*. به کوشش محمد نخجوانی، تبریز: شفق.

قوامی رازی. (۱۳۳۴). *دیوان*. به تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی محدث، بی‌جا: چاپخانه‌ی سپهر.

کسایی مروزی. (۱۳۶۷). *دیوان*. به کوشش محمدامین ریاحی، تهران: توس.

کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی. (۱۳۴۸). *دیوان*. به کوشش حسین بحرالعلومی، تهران: کتابفروشی دهخدا.

محمودآبادی، سیداصغر؛ عباسی، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). «فرایند برگزاری جشن مهرگان در قرون نخستین اسلامی». *فرهنگ*، شماره‌ی ۶۸، صص ۲۵۷-۲۸۴.

المختارات من الرسائل. (۱۳۵۵). *مجموعه‌ی منشآت و فرامین و احکام دیوانی و شرعی و عرفی از قرون پنجم و ششم و هفتم هجری*. به کوشش ایرج افشار، تهران: انجمن آثار علمی.

مسعود سعد سلمان. (۱۳۶۲). *دیوان*. به تصحیح رشید یاسمی، تهران: امیرکبیر. مشایخی، منصوره. (۱۳۸۸). «ارتباط خرد و شادی در شاهنامه‌ی فردوسی و مطابقت آن با شعر چند شاعر فارسی و عربی زبان». *مطالعات ادبیات تطبیقی*، شماره‌ی ۱۱، صص ۲۱۳-۲۳۶.

معزی نیشابوری، محمد. (۱۳۱۸). *دیوان*. به تصحیح عباس اقبال، تهران: کتابفروشی اسلامیة.

منوچهری دامغانی. (۱۳۵۶). *دیوان*. به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: زوار. مهمان‌دوست، صمد. (۱۳۸۴). «حافظ پیام‌آور شادی و عشق». *مجله‌ی رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، شماره‌ی ۷۵، صص ۲۱-۲۳.

ناصرخسرو. (۱۳۶۸). *دیوان*. به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.

_____. (۱۳۸۲). *سفرنامه‌ی ناصرخسرو*. به کوشش نادر وزین‌پور، تهران: علمی و فرهنگی.

هنوی، دبلیو. ال. (۱۳۷۴). «قربانی و جشن در منظومه‌های منوچهری». *ترجمه‌ی افسانه منفرد، مجله‌ی فرهنگ*، شماره‌ی ۱۶، صص ۲۶۱-۲۸۰.